

### متن پرسش

سلام و احترام: وقت بخیر. استاد ببخشید از کجا میشه فهمید افراد مشکلاتشون از بیماریهای قلبشونه یا مشکلات عقلشون؟ مثلا مثل فردی که بعد از سالها مذهبی بودن و دینداری و حتی نویسندگی در زمینه ائمه اطهار علیه السلام منکر همه چیز میشه حتی خدا (اهل مطالعه کتابهای غرب هم باشه و دین هم داشته باشه) در کل میخوام تفاوت خطای فکری و عقلی با امراض نفس رو متوجه بشم. و دیگر اینکه اگه مثلا یه نفر عقده ی یه چیزی رو در خودش پیدا کنه درسته که اونو از طریق دنیایی حل کنه؟ مثلا فرض کنید یه نفر از لحاظ لباس هیچ وقت تو خانواده بهش اهمیت ندادن از لحاظ زیبایی لباس مناسب سنش. یا حتی غذاهای خوشمزه. خب طبیعیه که ذهنش درگیر شیک پوشی باشه اگه دنبال مطالعه و خودشناسی و خوداگاهی نرفته باشه. اینجور مسایل رو چطور باید حل کرد در درون خود و دیگران؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. اگر با مبانی عقلی، عقاید خود را شروع کنید و سپس در ادامه با قلب، حقایق آن عقاید را بچشم دیگر جایی برای انکار نمی‌ماند. ۲. اگر انسان در مسیر خدا به چیزی رسید از ضعفها و نقصهای جزئی، خاطرش آسوده می‌شود. سری به کتاب «آشتی با خدا» به خصوص به قسمت آخر کتاب یعنی ۲۳ نکته بزنید. موفق باشید